

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱

موضوع: جایگاه رفیع امامت و ولایت در مکتب اسلام

(سخنرانی در مدرسه علمیه ملأ صادق)

فهرست مطالب این سخنرانی:

شدیدترین تهدید پیامبر در قرآن

نظر جالب مفسر وهابی درباره آیه (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)

خاطره ای از یکی از بزرگان اهل سنت سوریه

نمایشی از شخصیت انبیاء الهی در صحیح ترین کتب اهل سنت

روایتی که برای اهل سنت دردسر بزرگی درست کرده است!

چالشی به نام "یک دقیقه قبل از غذا"

در حوزه امامت و ولایت، این کتاب را بخوانید

مناظره شنیدنی امام رضا (سلام الله علیه) با بزرگان اهل سنت

خاطره شنیدنی «ابی نصر بزنطی» از امام رضا (سلام الله علیه)

قوی ترین سایت پاسخ گوئی به شبهات وهابیت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة  
على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله  
الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و ولادت باسعادت منجی عالم  
بشریت و عصاره عالم وجود حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را به همه علاقه‌مندان به  
اهلبیت عصمت و طهارت و منتظران ظهورش تبریک می‌گوییم. خدا را به آبرویش سوگند می‌دهیم عیدی ما را  
فرج موفور السرورش قرار بدهد، ان شاءالله.

خدا را شاکریم که به ما توفیق داد شما عزیزان را زیارت کردیم. ما معمولاً روزهای جمعه خیلی زودتر از سایر  
روزهای هفته به زیارت حضرت معصومه می‌رویم. والده ما در شیخان دفن هست و ابوی ما هم در قم نو دفن  
است.

ما دیروز اتفاقی ساعت ده حرکت کردیم و شاید برای اولین بار بود که در عمرمان با یک ساعت تأخیر حرکت  
کردیم و دوستان را زیارت کردیم. شاید قسمت این بود که ما دیر حرکت کنیم و دوستان را در آنجا زیارت کنیم.  
ایام، ایام متعلق به حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است. مقداری در رابطه با حضرت آنچه  
وظیفه داریم نسبت به ساحت مقدسش صحبت می‌کنیم.

عزیزان دقت کنند که بحث حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)، بحث ولایت و امامت ایشان، یکی از اساسی‌ترین  
مباحث اسلامی ماست. بحث امامت و ولایت همانند رسالت، معاد و توحید، تنها یک بحث عقیدتی محض  
نیست.

بحث سر این است که اگر توحید ما بخواهد توحید شود، باید در سایه سار ولایت باشد. اگر معاد ما بخواهد معاد شود، در سایه سار ولایت، معاد واقعی روشن می‌شود. اگر رسالت بخواهد خوب تجلی کند و ما به حقیقت رسالت آگاه بشویم، جز از طریق عنایات و تفضلات اهل بیت راه دیگری نداریم.

### شدیدترین تهدید پیامبر در قرآن

آیه ۶۷ از سوره مبارکه مائده تعبیر بسیار زیبایی دارد. من گمان نمی‌کنم بهتر از این بشود بیان کرد که خداوند عالم فرمودند:

**(یا أَيُّهَا الرَّسُولُ)**

ای پیامبر!

تفاوت (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ) با (یا أَيُّهَا النَّبِيُّ) این است که در (یا أَيُّهَا النَّبِيُّ) بحث، بحث عمومی است در حالی که در (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ) بحث، بحث خصوصی است.

**(بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)**

آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان.

تعبیری که در این آیه است و تهدید به نبی گرامی اسلام است، در هیچ جای قرآن مشاهده نمی‌شود. شما از ابتدای سوره حمد تا سوره ناس را ملاحظه کنید، این تعبیر برای اولین بار و آخرین بار در قرآن کریم آمده است.

**(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)**

و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

این مطلب در وجوب نماز نبوده است، در مورد توحید نبوده است، در مورد رسالت نبوده است، در مورد معاد نبوده است. ما حدود هزار و چهارصد آیه در قرآن کریم در رابطه با معاد داریم. در خصوص احکام از طهارت تا دیات حدود پانصد آیه داریم.

این تعبیر (وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) یک بار در قرآن آمده است، به این معنا که اگر این کار انجام نشود رسالت ناتمام است. اگر دستوری که ما امروز به تو ابلاغ کردیم را به مردم نرسانی، تمام زحمات بیست و سه سالهات بی‌ثمر است.

### نظر جالب مفسر وهابی درباره آیه (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)

این چه قضیه‌ای است؟ خداوند عالم با رسولش چه مسئله‌ای را در میان گذاشته است و به پیغمبر اکرم چه قضیه‌ای را وحی کرده است که می‌فرماید اگر این مورد را به مردم ابلاغ نکنی رسالت ناتمام است؟

ما کاری به روایات شیعه نداریم؛ گرچه در کتب شیعه بیش از چهل روایت داریم که بحث (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ) را معنا کرده است. ما به سراغ اهل سنت می‌رویم، آن‌ها را هم کنار می‌گذاریم و به سراغ سلفیون می‌رویم که دشمن سرسخت اهل بیت هستند.

«آلوسی» خود سلفی العقیده است. «زرکلی» کتابی به نام «الأعلام» دارد که شخصیت‌های بزرگ اهل سنت را در آنجا معرفی کرده است. او شرح حال علما را می‌نویسد و زمانی که به «آلوسی» می‌رسد، می‌نویسد:

«کان سلفی الاعتقاد»

الأعلام، خیر الدین الزرکلی، چاپ: الخامسة، ۱۹۸۰، ج ۷، ص ۱۷۶، باب آلوسی الکبیر

ایشان کتابی به نام «روح المعانی» دارد که در مورد تفسیر قرآن کریم است. او در این کتاب نسبت به شیعه چرندیات زیادی گفته است که کاری با آنها نداریم، اما زمانی که به این آیه می‌رسد عبارت زیبایی دارد که جایگاه امامت و ولایت را نشان می‌دهد.

او این روایت را از «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند. «عبدالله بن مسعود» مفسر بزرگ صحابه در زمان رسول الله بوده است. ما دو مفسر بزرگ داریم؛ یکی از آنها «ابن عباس» و دیگری «عبدالله بن مسعود» است که هر دو شاگرد امیرالمؤمنین بودند. او از قول «عبدالله بن مسعود» می‌گوید:

**«کنا نقرأ علی عهد رسول الله»**

ما همه صحابه در زمان پیغمبر اکرم این آیه را چنین می‌خواندیم:

کلمه «کان» دلیل بر استمرار است و «کنا» هم مع الغیر است.

**«(ياأيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك إن عليا ولي المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته)»**

ای پیغمبر! به مردم بگو که علی ولی امر مؤمنین است و اگر ولایت علی معرفی نشود رسالت تو ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٦، ص ١٩٣، باب المائدة: (٦٧) يا أيها الرسول... ..

دلیل آنکه می‌گوییم اس اساس در اسلام، ولایت است، به این معناست. اگر توحید می‌خواهید، باید به سراغ ولایت بروید.

**«بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَبِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَبِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»**

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۱۴۵، ح ۱۰

اگر می‌خواهید عبادت شما درست شود، باید به سراغ اهلبیت بروید. شما اهلبیت را در یک کفه بگذارید و غیر اهلبیت را هم در یک کفه بگذارید. مثلاً در مسئله توحید زمانی که به اهلبیت می‌رسید، می‌فرماید:

«کَلِمَا مِيزْتَمُوهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي أَذَقِ مَعَانِيهِ مَخْلُوقِ مَصْنُوعِ مِثْلِكُمْ مَرْدُودِ إِلَيْكُمْ»

هرچه درباره خداوند تصور کنید مخلوق ذهن شماست و خداوند بسیار بالاتر از این است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۶،

ص ۲۹۳، ح ۲۳

روایات متعددی از امام رضا در رابطه با توحید وارد شده است که مطابق با همان تعبیری است که قرآن کریم دارد.

حال به کفه دیگر ترازو توجه کنید. در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» وارد شده است که خدا دست دارد، چشم دارد، پا دارد، نیمه شب سوار بر الاغ از عرش تا آسمان دنیا می‌آید همانند دوره گردها بلندگو می‌گیرد و صدا می‌کند و استغفارات و حاجات مردم را برآورده می‌کند. سپس زمانی که اذان صبح گفته می‌شود، خدا سوار بر الاغ می‌شود و دومرتبه به عرش برمی‌گردد!! مشاهده کنید این توحید غیر امامت است.

خاطره ای از یکی از بزرگان اهل سنت سوریه

یکی از بزرگان اهل سنت سوریه داستان زیبایی دارد. او می‌گوید که ما از ابتدای بچگی با این روایت انس گرفته بودیم و همیشه روی منبر برای مردم می‌گفتیم.

من یک مرتبه فکر کردم که اگر این روایت درست باشد و خدا یک مرتبه به آسمان دنیا بیاید، در زندان آسمان دنیا می‌افتد و تا ابد نمی‌تواند از این زندان بیرون بیاید. روایت می‌گوید خدا به آسمان دنیا می‌آید، و نزدیک طلوع فجر خدا سوار بر الاغ بالا می‌رود.

خدا تنها خدای خاورمیانه و عربستان سعودی که نیست، بلکه خدای اروپا و آمریکا و چین و هند هم هست. وقتی که خدا بخواهد بیاید، طلوع فجر ادامه دارد و هر لحظه‌ای از شبانه روز یک جای کره زمین طلوع فجر است.

به عنوان مثال خدا الآن به ایران آمده است. وقت طلوع فجر که می‌خواهد برگردد در ترکیه طلوع فجر می‌شود و نمی‌تواند برگردد. وقتی که در ترکیه طلوع فجر شد در ایتالیا طلوع فجر شروع می‌شود و همینطور ادامه پیدا می‌کند و نمی‌توانند به عرش برگردد.

طلوع فجر در چرخش است و خداوند هرچقدر بخواهد سوار بر الاغ از طلوع فجر در برود، یک جا از کره زمین طلوع فجر است. لذا ما فهمیدیم که تمامی این روایات ساخته یهود و اسرائیل است. یهودیان چنین روایاتی را که در تورات تحریف شده است، در روایات ما گذاشتند.

او می‌گوید: همین دقت من باعث شد که به مذهب اهل بیت آمدم، روایات ائمه شیعه را بررسی کردم و دیدم از این حرف‌های بی‌خود و بی‌اساس در کتب شیعه و روایات ائمه خبری نیست. روایات ائمه اطهار دقیقاً در توحید همان توحید قرآنی است.

**(لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)**

همانند او چیزی نیست.

سوره شوری (۴۲): آیه ۱۱

یا:

(لَا تُذْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ)

چشم‌ها او را درک نمی‌کند ولی او همه چشم‌ها را درک می‌کند.

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۳

«بن باز» می‌گوید: "هرکسی معتقد نباشد که خدا را می‌توان دید کافر است!" عقیده او برخلاف نص صریح قرآن است، همو که می‌فرماید:

(لَا تُذْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ)

وهابیت معتقدند که خدا را در قیامت همه می‌بینند و هرکسی منکر رؤیت خدا باشد، کافر است. امثال این قضایا فراوان وجود دارد.

نمایشی از شخصیت انبیاء الهی در صحیح ترین کتب اهل سنت

شما به رسالت توجه کنید؛ رسالتی که از کانال اهل بیت است و رسالتی که از کانال غیر اهل بیت است. روایاتی که بنده بیان می‌کنم در کتب دست سوم و چهارم نیست.

در کتب معتبر اهل سنت وارد شده است که حضرت موسی کنار یک جوی آمد و غسل کرد. لباس‌هایش را روی سنگی گذاشته بود و وقتی که آمد لباسش را بردارد تا بپوشد، سنگ به راه افتاد. حضرت موسی لخت و عریان می‌دوید و داد می‌زد:

«تَوْبِي حَجْرُ تَوْبِي حَجْرٌ»

سنگ لباس‌هایم را نبر، سنگ لباس‌هایم را نبر.



الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١٢٤٩، ح ٣٢٢٣

در نهایت بنی اسرائیل آمدند و حضرت موسی را لخت و مادرزاد دیدند و تا آخر عمر دیگر چشم درد ندیدند!!  
مشاهده کنید این رسالت غیر اهل بیت است!

همچنین در کتب اهل سنت وارد شده است زمانی که عزرائیل می‌آید حضرت موسی را قبض روح کند، حضرت موسی آنچنان سیلی به صورت عزرائیل می‌زند که چشمش از حدقه درمی‌آید.

عزرائیل چشم خود را به دست می‌گیرد، نزد خدا می‌آید و عرضه می‌دارد: خدایا مرا به سوی حضرت موسی فرستادی و او هم انسانی عصبانی است. آدم قحط بود که مرا نزد موسی فرستادی تا قبض روح کنم؟! خدا واسطه می‌شود تا عزرائیل و حضرت موسی آشتی کنند!! مشاهده کنید این خرافات و مسخره بازی‌ها در صحیح‌ترین کتب اهل سنت آمده است.

در کتاب «صحیح بخاری» چندین مرتبه وارد شده است:

« عن حُدَيْفَةَ قَالَ أَتَى النَّبِيَّ سُبَّاطَةَ قَوْمٍ فَبَالَ قَائِمًا »

پیغمبر اکرم به محل زباله دانی عده ای رفت و ایستاده ادرار کرد.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، باب البُولِ قَائِمًا وَقَاعِدًا، ص ٩٠، ح ٢٢٢

مشاهده کنید چقدر زشت و وقیح است! «نووی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت می‌گوید: در هرات واقع در افغانستان هر سال مردم یک روز ایستاده بول می‌کنند تا به سنت پیغمبر اکرم عمل کنند!!

آنچه قرآن کریم می‌فرماید:

**(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)**

اینجا معلوم می‌شود. ما نمی‌خواهیم شعار بدهیم، بلکه واقعیات را می‌بینیم. چندین مرتبه در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است که وحی به تأخیر افتاد و پیغمبر اکرم به بالای کوه رفت تا خودکشی کند!!

جبرئیل نزد حضرت آمد و التماس کرد که تو را به خدا خودکشی نکن. ما نزد خدا واسطه می‌شویم که دوباره وحی برای شما بیاید. وحی آمد و دومرتبه زمانی که به تأخیر افتاد، پیغمبر اکرم بالای کوه رفت تا خودکشی کند. آیا پیغمبری که به خاطر تأخیر وحی خودکشی کند، آیا به درد نجات و هدایت مردم می‌خورد؟

در کتب صحاح اهل سنت نسبت به رسول اکرم مطالبی است که انسان وقتی می‌خواند واقعاً بدنش به لرزه می‌افتد. لذا امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

**«بِنَا عُبْدَ اللَّهِ»؛ عبادت خدا باید از کانال ما باشد. «و بِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»؛ توحید خدا باید از کانال ما بگذرد.**

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۱۸ پانزده روایت از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است که حضرت می‌فرماید:

**«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ»**

اسلام روی پنج محور استوار است؛ نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

«وَلَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَالِيَةِ»

هیچکدام از این اعمال در رتبه ولایت نیست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۸، ح ۱

در هیچکدام از روایات وارد نشده است که اگر حج بر کسی وارد شد و نرفت، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. اگر کسی نماز نخواند، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. البته انکار نماز بحث دیگری است.

روایتی که برای اهل سنت در دسر بزرگی درست کرده است!

روایات متعددی داریم که شیعه و سنی آن را نقل کردند. «مرحوم کلینی» در جلد اول کتاب «کافی» صفحه ۳۷۷ پنج روایت دارد که ائمه اطهار می‌فرمایند:

«مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بمیرد در حالی که امام خود را نشناخت، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۷۷، ح ۳

یا در جای دیگر وارد شده است:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲،

ص ۴۰۹، ج ۹

اهل سنت هم این روایت را در منابع خود دارند. این قبیل روایات از دستشان در رفته است و الآن برایشان دردرس شده است و نمی‌توانند به آن جواب بدهند. در کتاب «صحیح مسلم» جلد ۳ صفحه ۱۴۷۸ حدیث ۱۸۵۱ وارد شده است:

«وَمَنْ مَاتَ وَوَلِيَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بمیرد در حالی که بیعت امام در گردنش نباشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۷۸، ج ۱۸۵۱

«احمد بن حنبل» رئیس حنابله متوفای ۲۴۱ هجری کتابی به نام «مسند» دارد که حدود ۳۰ هزار روایت در آنجا آورده است. او در جلد چهارم این کتاب صفحه ۹۶ می‌گوید:

«من مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۴، ص ۹۶، ج ۱۶۹۲۲

امروز بسیاری از اهل سنت معطل مانده‌اند که این روایت را چطور معنا کنند. پدر و مادر آنها از دنیا رفته است و خودشان هم فردا از دنیا می‌روند، اما امام خود را نمی‌شناسند.

بعضی از این افراد چنین می‌پندارند مسلمانان عربستان امام زمانشان «ملک سلمان» است یا مسلمانان آمریکا امام زمانشان «ترامپ» است. آن‌ها خیال می‌کنند امام زمان هر عصری حاکم و رئیس جمهور آن مملکت است. آیا این تفکر به تمسخر شبیه‌تر نیست تا به حقیقت؟!

به عنوان مثال مسلمانان آمریکا اگر امامت «ترامپ» را قبول نکنند، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته‌اند. با اینکه خودشان در کتاب «صحیح مسلم» بعد از روایت:

**«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»**

در حدیث دیگری می‌نویسند:

**«إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»**

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۸۰، ح ۱۸۵۳

طبق این روایت در هر عصری در کره زمین باید تنها یک امام باشد. اگر دو امام باشد، هرکسی اول مورد بیعت قرار گرفت امام زمان است و نفر دوم واجب القتل است. اهل سنت در این روایات معطل ماندند که چکار کنند. دوستان عزیز! اگر تمام عمرمان را به خاطر نعمت ولایت در یک سجده شکر بگذرانیم، قسم به جان حضرت ولی عصر حق مطلب را نتوانستیم ادا کنیم.

خدای عالم این نعمت را رایگان و ارزان در اختیار ما قرار داده و ما متأسفانه قدردان این نعمت نیستیم. مثال ما همانند ماهی است که در داخل آب است و قدر آب را نمی‌داند. وقتی از آب بیرون می‌رود، تازه می‌فهمد که چه نعمتی در اختیارش بوده است.

بنده وقتی در مسافرت‌های کشورهای خارجی با اهل سنت بحث می‌کنم، واقعاً لمس می‌کنم که نعمت ولایت چه نعمت بزرگی است. وقتی انسان کتب اهل سنت و وهابیت را می‌خواند، تازه می‌فهمد که ما در چه نعمت بزرگی قرار گرفتیم و قدر آن را نمی‌دانیم.

یکی از بزرگ‌ترین وظایف ما در عصر غیبت، بحث شناخت امام و معرفت امام است. این در رتبه اول وظیفه یک شیعه است. باید امام را بشناسیم و به دیگران بشناسانیم. از اعتقاد تقلیدی بیرون بیاییم. اگر بگوییم پدرم یا مادرم گفته است که علی حق است، باید بگوییم که پدر و مادرت اشتباه کرده است.

ما در روایت داریم که بعضی افراد را در قبر می‌گذارند و از او می‌پرسند: از کجا می‌دانستی که خدا هست؟ او می‌گوید: مردم می‌گفتند که خدا هست و من هم به این باور رسیدم.

از او می‌پرسند: از کجا می‌دانستی که علی بن ابی طالب حق است؟ او در جواب می‌گوید: پدر و مادرم و مردم گفتند. یک مرتبه گرز آتشین به قبر او می‌زنند که قبر او تا قیامت مملو از آتش شود.

اعتقاد تقلیدی یکی از گناهان بزرگ برای ماست. ما باید تلاش کنیم این اعتقاد تقلیدی را کنار بگذاریم. این باورها که "دیگران گفتند علی حق است" یا "دیگران گفتند حضرت مهدی امام زمان است" به درد نمی‌خورد.

الحمدلله شما طلبه هستید و در اردوگاه آموزشی حضرت ولی عصر قرار دارید. اولین کاری که باید انجام دهید، این است که توحید و نبوت و امامت و معادتان استدلالی باشد. مخصوصاً در مسئله امامت، شما باید ادله دال بر امامت امیرالمؤمنین و ائمه اطهار را از قرآن و سنت به ذهن بسپارید.

اگر در ماشین یا قطار یا هواپیما یا بازار از شما سؤال کردند: "به چه دلیل می‌گویید علی حق است"، باید بتوانید چند آیه از قرآن کریم بر حقانیت امیرالمؤمنین اقامه کنید. همچنین باید بتوانید از کتب شیعه و اهل سنت چند روایت بر حقانیت امیرالمؤمنین استدلال کنید. اگر اینگونه شد، به شما می‌گویند سرباز!

البته شما باید مباحث ابتدایی خود را خوب بخوانید. من همیشه توصیه می‌کنم اگر ادبیات خوب نداشته باشید و صرف و نحوتان خوب نباشد، نمی‌توانید روایات ائمه اطهار را خوب بفهمید. اگر منطق و معانی بیان‌تان خوب نباشد، نمی‌توانید در بحث و مناظره و پاسخ به شبهات قدرتمندانه حضور پیدا کنید. باید این مبادی را حتماً خوب بخوانید.

من همیشه می‌گویم کتابی که شما خواندن آن را از نصف گذرانده‌اید، باید توانایی داشته باشید از ابتدای کتاب تدریس کنید. اینطور خواندن ارزش دارد، وگرنه اگر برای شب امتحان بخوانیم، دو سه شب بی‌خوابی می‌کشیم تا امتحان بدهیم و نمره قبولی بگیریم. اینطور خواندن به درد نمی‌خورد و این طلبه، طلبه مورد دلخواه امام زمان نیست.

طلبه باید به مبادی طلبه‌گی آشنا باشد، زیرا واجبات امروزه ما همین است. کوتاهی کردن در مسائل درسی خیانت به خود و مولایمان است.

ما این درس را برای چه می‌خوانیم؟ ادبیات برای چیست؟ ما باید بتوانیم احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) را بفهمیم و بفهمانیم. ما باید بتوانیم احادیث ائمه اطهار را درک کنیم و به دیگران برسانیم. ما به همین خاطر داریم درس می‌خوانیم.

بنابراین ما باید تلاش کنیم درس بخوانیم، زیرا همین درس خواندن‌ها یکی از بهترین عبادات ماست. همچنین در کنار آن باید تلاش کنیم تنها به بحث‌های ادبیاتی پرداخته نشود، بلکه باید پیرامون مباحث اعتقادی مخصوصاً در حوزه ولایت کار کنیم.

**چالشی به نام "یک دقیقه قبل از غذا"**

ما باید برنامه بگذاریم و روز جمعه یا پنج‌شنبه که تعطیل است، یکی از کتاب‌هایی که در حوزه ولایت و امامت است را مطالعه و مباحثه کنیم. هر روز ده دقیقه، پانزده دقیقه نه بیشتر، لازم است در حوزه ولایت و امامت مطالعه کنیم.

اخیراً کتابی دیدم به نام "یک دقیقه قبل از غذا". بنده قبل از خواندن این کتاب با خود فکر کردم که مراد از نامگذاری این کتاب چیست. نویسنده این کتاب نوشته بود: "هر روز که برای خوردن غذا به آشپزخانه می‌رفتم، گاهی اوقات یک دقیقه تا چند دقیقه در سر میز غذاخوری معطل می‌شدم. تصمیم گرفتم از این دقایق استفاده کنم و موضوعی را شروع به نوشتن کردم. من هر روز یک دقیقه مطلب می‌نوشتم که بعد از گذشت دو یا سه سال به یک کتاب مفصل تبدیل شد."

بعضی افراد از این اوقات مرده خود چنین استفاده می‌کنند. مرحوم آیت الله خزعلی می‌گفتند: من «الفیه ابن مالک» را در توالی حفظ کردم. قرآن را در ماشین زمانی که به اینطرف و آنطرف می‌رفتم حفظ کردم. ما باید از این اوقات مرده خود حداکثر استفاده را کنیم و نگذاریم وقتمان تلف شود.

### در حوزه امامت و ولایت، این کتاب را بخوانید

ما مخصوصاً باید تلاش کنیم هر روز پنج یا ده دقیقه کتابی که مربوط به ولایت و امامت است را مطالعه کنیم. من معمولاً توصیه می‌کنم کتاب «المراجعات» اثر «مرحوم شرف الدین» را بخوانید، زیرا کتاب بسیار خوبی است.

مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود به مناسبت غدیر فرمودند: من به علمای اهل سنت توصیه می‌کنم کتب «مرحوم شرف الدین» و «علامه امینی» را مطالعه کنند.



این کتاب خوبی است، به این معنا که ویژگی‌های خوبی دارد. در حقیقت مناظره‌ای میان دو شخصیت طراز اول شیعه و سنی است.

از میان علمای اهل سنت «سلیم بشری» رئیس دانشگاه الأزهر و از میان علمای شیعه «مرحوم شرف الدین» فقیه و اصولی و متکلم با هم مکاتبه می‌کنند.

«مرحوم شرف الدین» با هرچه در توان دارد از اهل بیت و امیرالمؤمنین دفاع می‌کند و «سلیم بشری» با تمام توان خود می‌خواهد ادله «شرف الدین» را مناقشه و رد کند و برای مذهب اهل سنت دلیل اقامه کند. این دو عالم هرچه توان داشتند را روی میز ریختند.

علاوه بر این، این کتاب بسیار مؤدب است و ادبیات خوبی دارد. این کتاب توهین به مقدسات اهل سنت ندارد، توهین به علمای اهل سنت ندارد و «مرحوم شرف الدین» همه چیز را هم گفته و چیزی فروگذار نکرده است.

«مرحوم شرف الدین» تمام مطاعن را گفته است، اما آن‌ها را در یک بیان بسیار شیرین و قشنگ بیان کرده است. انتخاب الفاظ برای ما بسیار مهم است.

پادشاهی خواب دیده بود که تمام دندان‌هایش افتاده است. وقتی از خواب بیدار شد، دستور داد که برایم معبر بیاورید. معبر آوردند و پادشاه از او پرسید: تعبیر خواب من چیست؟ معبر گفت: پادشاه به سلامت باد! تعبیر خواب این است که تمام بستگان شما قبل از شما خواهند مُرد.

پادشاه عصبانی شد و دستور داد گردن او را بزنند که چنین تعبیری کرده است، اما آرام نشد و دستور داد معبر دیگری بیاورند. معبر دیگر آوردند و معبر گفت: پادشاه خواب شما بسیار خوب است. به شما تبریک می‌گوییم. عمر پادشاه از همه اقوامش بیشتر است. پادشاه به معبر دوم جوایز و هدایایی تقدیم کرد. دقت کنید معنای "تمام اقوام شما قبل از شما می‌میرند" و "عمر پادشاه از همه اقوامش بیشتر است" یکی است.

انتخاب الفاظ خیلی مهم است، مخصوصاً در مباحث شیعه و سنی که اگر اختلاف و فتنه ایجاد کنیم؛

### (وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است!

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۱

بنابراین اگر ما می‌گوییم کتاب «المراجعات» کتاب خوبی است، از این جهت است که ادبیات قشنگی دارد.

نویسنده تندترین مباحث اختلافی شیعه و سنی را با یک الفاظ بسیار قشنگ و زیبا و اتوکشیده بیان می‌کند. از طرف دیگر عالم اهل سنت مطالب تند نسبت به شیعه را خیلی قشنگ بیان می‌کند.

این مسائل در حوزه معانی بیان است. اگر در معانی بیان خودمان صاحب نظر شویم و تجربه خوبی داشته باشیم، آنجا به ما نشان می‌دهد در نحوه استدلال چکار کنیم.

در منطق به ما نشان می‌دهد که کجا باید از برهان استفاده کنیم، کجا از خطابه استفاده کنیم و کجا از جدل استفاده کنیم. گاهی اوقات جدل هم به درد نمی‌خورد و زمانی که شما با وهابیون بحث می‌کنید مجبورید از مغالطه استفاده کنید.

باید این فوت و فن را تماماً یاد بگیرید. مخصوصاً زمانی که صناعات خمس منطق را می‌خوانید، از استاد بخواهید برای هر کدام یک مصداق از مناظراتی که ائمه اطهار یا اصحاب آن بزرگواران داشتند مثال بزنند. استاد بزرگوار را وادار کنید مطالعه کند و چندین برهان مصداق بیاورد.

همانطور که استاد شما را به درس خواندن وادار می‌کند، در اینطور موارد توصیه می‌کنم دست استاد را ببوسید و تقاضا کنید در موردی همانند صناعات خمس برایتان مصداق بیاورد و تا نیاورد استاد را رها نکنید.

باید فرا بگیرید که ائمه اطهار کجا از برهان استفاده کردند، کجا از خطابه استفاده کردند، کجا از جدل استفاده کردند.

### مناظره شنیدنی امام رضا (سلام الله علیه) با بزرگان اهل سنت

امام رضا (علیه السلام) وقتی به منطقه طوس می‌آید، «مأمون» تمام علمای اهل سنت را جمع می‌کند و دستور می‌دهد که باید مناظره‌ای با امام هشتم تشکیل بدهید تا آبروی علمی امام هشتم برود.

علمای اهل سنت جمع می‌شوند و شخصی که سرآمد علمای اهل سنت عصر بود را انتخاب می‌کنند و می‌خواهند که او با امام رضا مناظره کند. این مناظره درس‌های بسیار زیبایی برای ما دارد.

این شخص ابتدا می‌خواهد از مغالطه استفاده کند، به همین خاطر می‌گوید: شما امامت ابوبکر که مردم او را امام قرار دادند، به او راضی بودند و با او بیعت کردند را قبول ندارید و به سراغ علی بن ابی طالب رفتید که نه امام شد و نه مردم او را قبول کردند.

امام رضا نیامدند ادله امامت امیرالمؤمنین در قرآن و حدیث را بیان کنند، بلکه مغالطه را با مغالطه جواب دادند. حضرت فرمودند: شما ادعا می‌کنید ابوبکر افضل الناس بود و مردم به امامت او راضی بودند، اما در سخنرانی که ایشان کرد گفت:

«وَلَيْتُكُمْ وَ لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ»

من خلیفه شما شدم، اما بهترین شما نیستم.

معنای حرف خلیفه اول این بود که شما از من بهتر هستید. او یا راست گفت و یا دروغ گفت. اگر او راست گفت، بنابراین امام باید افضل الناس باشد، چرا غیر افضل امام شده است؟ اگر او دروغ گفته است، انسان دروغگو صلاحیت خلافت ندارد.

این روایت در کتاب «عیون اخبار الرضا» ج ۲، ص ۲۳۱؛ «الإحتجاج» اثر «طبرسی» و بحار «علامه مجلسی»، کتاب «المناقب لابن شهر آشوب» و منابع دیگر وارد شده است.

حضرت در ادامه فرمودند شما امامت ابوبکر را قبول کردید، در حالی که او بالای منبر رفت و گفت:

«إِنَّ لِي شَيْطَانًا يَغْتَرِينِي»

من شیطانی دارم که دائماً مرا تحریک می‌کند.

« فَإِذَا غَضِبْتَ فَاجْتَنِبُونِي لَا أُؤْثِرُ فِي أَشْعَارِكُمْ وَلَا أَبْشَارِكُمْ»

اگر عصبانی بشوم از من دور شوید که اگر در این زمان کسی کنارم باشد، موهای او را می‌کنم و با چنگالم صورتش را تکه تکه می‌کنم.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -  
١٤٠٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ١١، ص ٣٣٦، باب لا طاعة في معصية، ح

٢٠٧٠١

این شخص به یک دیوانه بیشتر شبیه است، تا یک خلیفه! البته خود اهل سنت این تعبیر را در کتب خود دارند.  
طرف مقابل «یحیی بن ضحاک سمرقندی» نام داشت که بزرگ‌ترین عالم و پر قدرت‌ترین عالم اهل سنت بود،  
به طوری که در میان اهل سنت باسوادتر از او وجود نداشت.

این عبارت در کتب اهل سنت هم وجود دارد. «عبدالرزاق صنعانی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت متوفای ۲۱۱  
هجری و استاد «بخاری» در کتاب خود به نام «المصنف» جلد یازدهم صفحه ۳۳۶ نقل می‌کند و می‌گوید ابوبکر  
بالای منبر رفت و گفت:

«فتظنون أنى أعمل فيكم سنة رسول الله إذا لا أقوم لها إن رسول الله كان يعصم بالوحى وكان معه ملك

وإن لى شيطانا يعترينى»

ای مردم! اگر انتظار دارید که من همانند پیغمبر اکرم عمل کنم نمی‌توانم، زیرا پیغمبر اکرم ملکی داشت و جبرئیل او را از لغزش حفظ می‌کرد در حالی که من یک شیطان دارم که مرا از راه به در می‌کند.

«فإذا غضبت فاجتنبونى لا أؤثر فى اشعاركم ولا أبشاركم»

اگر عصبانی شدم از اطرافم کنار بروید، زیرا موهایتان را می‌کنم و با چنگالم پوستتان را تکه تکه می‌کنم.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

١٤٠٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ١١، ص ٣٣٦، ح ٢٠٧٠١

امام رضا می‌فرماید: امامی که شما معتقدید همه او را قبول کردند و راضی شدند، خودش این حرفها را می‌زند. او این حرفها را یا راست می‌گوید و یا دروغ می‌گوید. اگر این شخص راست می‌گوید و اگر شیطان او را تحریک کند موی مردم را می‌کند و صورت مردم را چنگ می‌اندازد، به درد امامت نمی‌خورد. اگر او دروغ می‌گوید شخصی دروغگو امام نمی‌شود.

در روایت وارد شده است که «یحیی بن ضحاک سمرقندی» به قدری شرمنده شد، طوری که می‌خواست زمین شکافته شود و او داخل زمین برود. این در حالی بود که همه علمای اهل سنت هم نشسته بودند.

«مأمون» گفت: یا یحیی! چرا به امام رضا جواب نمی‌دهی؟ او در جواب گفت: امام رضا کاری کرد که راه جواب را از من گرفت. من نه راه پس دارم و نه راه پیش دارم.

دقت کنید قضیه برهان نیست، بلکه در فاز مغالطه می‌رود. امام رضا نفرمودند که پیغمبر اکرم در غدیر خم در مورد علی بن ابی طالب چنین فرمودند یا حدیث منزلت و حدیث وصیت چنین است، بلکه با او به مغالطه پرداختند.

بنابراین صناعات خمس را خوب یاد بگیرید و برای هر کدام مصداقی از مناظرات ائمه اطهار (علیهم السلام) پیدا کنید. «مرحوم طبرسی» کتابی به نام «الإحتجاج» دارد که تمام مناظرات ائمه اطهار و صحابه را آورده است.

اخیراً یکی از علمای نجف کتابی چند جلدی تحت عنوان "مناظرة فی الإمامة" نوشته است که در نرم افزار «مکتبه اهل بیت» هم موجود است. در این کتاب تمام مناظرات ائمه اطهار و صحابه وارد شده است.

بنابراین تلاش کنید یکی از کارهایی که انجام می‌دهید این باشد که هر روز یا هفته‌ای یکی از این مناظرات را خوب مطالعه کنید، زیرا شما را کاملاً آماده می‌کند.

امروز که ما در عصر غیبت حضرت ولی عصر هستیم جشن گرفتن برای امام زمان خیلی خوب است یا رفتن به دیدار دوستان بسیار خوب است، اما وظیفه اصلی سربازی ما شناختن و شناساندن آن بزرگوار است.

«مرحوم مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» جلد ۵۳ صفحه ۱۷۵ تویق حضرت ولی عصر به «شیخ مفید» را می‌آورد. در این تویق وارد شده است که حضرت می‌فرماید:

«فَإِنَّا يَحِيْطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»

ما از تمام کارهای شما اطلاع داریم و چیزی از کار شما بر ما مخفی نیست.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۳،

ص ۱۷۵، ح ۷

همانطور که بنده الآن حرف می‌زنم و شما می‌شنوید، کاملاً عین حضور حضرت ولی عصر است.

حضرت امام خمینی در کتاب «مصباح الهدایة» تعبیری دارند که می‌گویند: "علم امام به عالم هستی از علم عالم هستی بر خودش قوی‌تر است." بالاترین علم، علم حضوری به معنای علم خود انسان بر خود انسان است. به تعبیر امام خمینی علم امام به ما از علم خودمان بر خودمان قوی‌تر است. چه بسا چیزی از ذهنمان می‌گذرد که توجه نداریم، اما حضرت ولی عصر از آن آگاهی دارد. باید اینطور امام‌شناس باشیم!

### «من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة»

هرکسی بمیرد در حالی که نسبت به امام زمانش معرفت نداشته باشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹

چنین باشیم که احساس کنیم بیست و چهار ساعت در محضر مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هستیم.

### خاطره شنیدنی «ابی نصر بزنی» از امام رضا (سلام الله علیه)

بنده قضیه‌ای را از امام رضا نقل می‌کنم؛ گرچند الفت شما با امام رضا از ما خیلی بیشتر است. «احمد بن ابی نصر بزنی» از اصحاب ناب امام رضاست. وقتی که من شرح حال او را می‌خوانم لذت می‌برم. او هم جزو اصحاب اجماع است و هم جزو مشایخ الثقات است.

او نقل می‌کند که امام رضا هنوز در مدینه بودند که من با تعدادی از اصحاب از جمله «ابن ابی عمیر» و «صفوان» خدمت حضرت رسیدیم و همگی سؤالاتی داشتیم. سؤالات آن‌ها تمام شد و رفتند، اما سؤالات من از محضر امام رضا زیاد بود و طول کشید.

حضرت سؤالات مرا جواب می دادند و من می نوشتم تا اینکه شب از نیمه گذشت. من می خواستم خدا حافظی کنم و بروم، اما امام رضا فرمود: «احمد بن ابی نصر» الآن نیمه شب است. امشب را در منزل ما بمان. من هم که به دنبال تعارف بودم سریع اجابت کردم.

حضرت به غلام خود دستور داد در همان اتاقی که من هرشب می خوابم و رختخوابی که هرشب در آن می خوابم را پهن کنید تا آقای «بزنطی» در آنجا استراحت کند. او می گوید: وقتی که این جمله را از امام شنیدم، احساس کردم که در ملکوت پرواز می کنم.

داخل اتاق رفتم و با خود گفتم: رفقای من امشب چه سعادت را از دست دادند و خدا چه سعادت را نصیب من کرده است که در منزل امام زمان و اتاق اختصاصی امام زمان و رختخواب اختصاصی امام زمان خوابیدم.

همین که این فکر از ذهنم گذشت، دیدم امام رضا در را می زنند و می فرمایند: آقای «احمد بن ابی نصر بزنطی» بودن در خانه امام و خوابیدن در اتاق و رختخواب اختصاصی امام فضیلت نیست، بلکه فضیلت به تقواست!

**(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)**

گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

**سوره حجرات (۴۹): آیه ۱۳**

هرکسی تقوایش بیشتر است، ارزشش بالاتر است؛ ارزشها به تقواست. مشاهده کنید که این فکر در اتاق تاریک زیر لحاف تنها از ذهن «بزنطی» گذشت، اما حضرت از ذهن او خبر می دهند. امام زمان ما اینطور هستند.

**«فَإِنَّا يَحِيطُ عَلْمُنَا بِأَبْنَائِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»**



ما احاطه علمی به تمام اخبار و کارهای شما داریم و چیزی از شما بر ما پوشیده نیست.

به این معناست! حضرت مهدی (ارواحنا فداه) می‌فرمایند: من از آنچه که بر دلتان می‌گذرد هم آگاهی دارم.

دوستان عزیز اگر معرفت ما این چنین باشد، برخورد ما با حضرت ولی عصر چطور خواهد بود؟ نماز ما چطور خواهد بود؟ روزه ما چطور خواهد بود؟ عبادت ما چطور خواهد بود؟ درس ما چطور خواهد بود؟ زیارت ما چطور خواهد بود؟ در این صورت تمام اعمال ما رنگ و بوی دیگری پیدا می‌کند.

این قضیه همانند این است که ما در رکاب حضرت ولی عصر هستیم و هرکجا می‌رویم در سایه سار حضرت حرکت می‌کنیم. امروز معرفت‌ها باید چنین باشد و اگر کمتر از این باشد هیچ ارزشی ندارد.

به اذن الله تبارک و تعالی حضرت ولی عصر بر تمام عالم هستی ولایت دارند، نه تنها بر من و شما!

«مرحوم کمپانی» شاگرد «آخوند خراسانی» استاد آیت الله خوئی یکی از فقهای بزرگ شیعه است. ایشان فقیه، اصولی، فیلسوف و متکلم بودند. او در کتاب «حاشیه‌ای بر مکاسب شیخ انصاری» در بحثی در رابطه با بیع فضولی و ولایت ائمه اطهار جمله زیبایی دارد. ایشان می‌نویسد:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

ائمه اطهار ولایت معنوی و سلطنت باطنی بر تمام امور تکوین و تشریح دارند.

حاشیه کتاب مکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج ۲، ص ۳۷۹، ش ۳۳۷

مرحوم آیت الله خوئی در کتاب «بیع» می‌فرمایند: ائمه اطهار (علیهم السلام) همان ولایتی که خدا دارد غیر از ولایت بر عبادت را دارا هستند و خداوند به آن بزرگواران کرم فرموده است، چه در عالم تکوین و چه در عالم تشریح.

بنابراین ما باید نسبت به ساحت مقدس مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) این چنین باشیم و همواره خود را در محضر او احساس کنیم.

مرحوم آیت الله کوهستانی که یکی از اوتاد بودند، به طوری که امروزه قبرشان در مازندران زیارتگاه است. نقل شده است که ایشان در بیست و چهار ساعت غالباً به یاد حضرت بودند. حضرت توسط یکی از یارانش به او پیام دادند: ما از تو تشکر می‌کنیم، خیلی به یاد ما هستی! ما هرچه به یاد امام زمانمان باشیم، او هم به همان اندازه به یاد ما هست. قرآن کریم می‌فرماید:

**(فَأَذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ)**

پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم.

**سوره بقره (۲): آیه ۱۵۲**

بینیم در طول بیست و چهار ساعت چقدر به یاد امام زمانمان و به فکر حضرت مهدی هستیم، زیرا همان اندازه هم او به فکر ماست. باید ببینیم چقدر حضرت را دوست داریم.

راوی نزد امام صادق می‌آید و عرضه می‌دارد: یابن رسول الله! شما چقدر ما را دوست دارید؟ حضرت می‌فرماید: به همان اندازه که شما ما را دوست دارید.

به قلب خود مراجعه کنید و محبت اهل بیت و امام زمان چقدر در دل‌هایتان است. حضرت همان اندازه هم شما را دوست دارد.

تلاش کنیم از ابتدای طلبه‌گی پیوندمان را با حضرت ولی عصر بیشتر کنیم. حضرت ولی عصر به مادرش حضرت صدیقه طاهره علاقه‌ای ویژه دارد. حضرت را به مادرش حضرت فاطمه زهرا سوگند بدهیم که نظر ویژه به ما کند، نه نظری که برای عموم دارد.

به ذره گر نظر لطف بوتراب کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

اگر اهل بیت به ما نظر ویژه کنند، هم دنیایمان آباد است و هم آخرتمان آباد است. در این صورت در درس‌ها موفق هستیم، در کارهای دنیوی موفق هستیم، در تبلیغ موفق هستیم و در همه امور موفق می‌شویم.

اگر عنایت اهل بیت نباشد و ما بخواهیم با دست و پای خودمان حرکت کنیم، کار به جایی نخواهیم برد. عزیزان در این ایام ولادت حضرت ولی عصر تلاش کنیم با حضرت صاحب الزمان عهد و پیمان ببندیم.

در زیارت آل یاسین یک دنیا معارف نهفته است. باید مقید باشیم زیارت آل یاسین را همانند نماز صبح مرتب بخوانیم و ترک نکنیم. این دستور حضرت ولی عصر است و ما اعتقادات خود را به حضرت عرضه می‌کنیم، همانند حضرت عبدالعظیم حسنی که خدمت امام هادی می‌آید و اعتقادات خودش را عرضه می‌کند.

ما همچنین از حضرت می‌خواهیم که فردای قیامت به این اعتقادات شهادت بدهند. ان شاءالله عزیزان ما در این زمینه کوتاه نیایند. صلواتی ختم بفرمایید. اگر دوستان سؤالاتی دارند، من به چند مورد از سؤالات پاسخ خواهم داد.

**پرسش:**

الآن بیشترین شبهاتی که توسط یهود یا مسیحیت یا اهل سنت مطرح می‌کنند، حول چه موضوعی متمرکز است؟

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

در یکی از مراکز پژوهشی قم به نام «مرکز الأبحاث العقائدية» زیر نظر آیت الله سیستانی از سال ۱۳۷۰ به مدت ده سال تمام کتب ضد شیعه را از ایران و کشورهای عربی و خارجی به زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی و اردو جمع آوری کردند.

در نتیجه حدود پنج هزار عنوان کتاب ضد شیعه جمع شد. محققین شبهات این کتابها را استقصاء کردند و به آنها پاسخ دادند.

وهابیت کتابی تحت عنوان «أصول مذهب الشيعة الإثني عشرية» نوشتند که عمده شبهات چهارده قرن اخیر را در این کتاب جمع آوری کردند. «ناصرالدین قفاری» یکی از اساتید دانشگاه محمد بن سعود ریاض در زمان «ملک فهد» این کتاب را نوشته است.

مراجع عظام تقلید قم از جمله آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله شبیری زنجانی به بنده امر کردند که کارهای حوزه خود را تعطیل کنید و به این کتاب جواب بدهید.

این کتاب سه جلد است و ما هم در سه جلد به آن پاسخ دادیم. جلد اول در خصوص شبهات مربوط به آیات الولاية است، جلد دوم در خصوص شبهات مربوط به احادیث الولاية است و جلد سوم در خصوص شبهات مهدویت و شبهات توسل است.

البته ما حدود پنجاه مورد از شبهاتی که ایشان آورده بود و در رأس شبهات بود را جواب دادیم. این کتاب سه جلدی روی سایت موجود است. اگر شما عبارت «نقد اصول مذهب الشيعة الإثني عشرية» را جستجو کنید، می‌بینید که سایت‌های مختلف آن را گذاشتند.

در حال حاضر این کتاب در نجف در چند مرکز علمی و تخصصی کتاب درسی قرار گرفته شده است. البته اصل کتاب قفاری در دانشگاه مدینه به کتاب درسی در مقطع ارشد تبدیل شده است.

ما در جلد سوم حدود پنجاه مورد از این شبهات را جواب دادیم. یکی از دوستان ما به نام جناب آقای «دکتر آیتی» یکی از طلبه‌های فاضل حوزه، رساله‌ای در سطح چهار دکتری داشتند که موضوع رساله ایشان شبهات مهدویت همین کتاب بود.

بنده استاد راهنمای ایشان بودم و با نمره نوزده و هفتاد و پنج هم قبولی دفاعیه خود را گرفتند. ایشان حدود هفتاد و هشت مورد از شبهات این کتاب در خصوص مهدویت را پاسخ داده است.

ما تمام شبهات وهابیت را در پنجاه شبهه خلاصه کردیم. بیست و پنج شبهه با اولویت یک و بیست و پنج شبهه با اولویت دو دسته بندی کردیم و به این شبهات پاسخ دادیم.

### قوی ترین سایت پاسخ گوئی به شبهات وهابیت

اگر شما به سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» مراجعه کنید، شبهه‌ای نیست که وهابیت مطرح کرده باشند و ما جواب نداده باشیم.

ما تحدی می‌کنیم - و هذا من فضل ربی - که نه در حوزه علمیه قم، نه در حوزه علمیه مشهد و نه در حوزه علمیه تهران و نه خاورمیانه، سایتی در حوزه پاسخ به شبهات وهابیت مثل سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» نیست. این نه تنها نظر بنده است، بلکه مسئولین حوزه علمیه قم هم بر این عقیده اتفاق نظر دارند.

بنده در سال ۱۳۹۰ چهل روز در آمریکا بودم و در ایالت‌های مختلف سخنرانی و بحث داشتم. تعدادی از دانشجویان از دانشگاه تورنتو کانادا در کالیفرنیا نزدیک سانفرانسیسکو جایی که ما بودیم آمدند و گفتند: ما فقط آمدیم به جهت اینکه از سایت شما تشکر کنیم.

دانشگاه تورنتو بزرگ‌ترین دانشگاه آمریکای شمالی است و چند میلیون دانشجو دارد. این دانشگاه بسیار عریض و طویل است. آن‌ها گفتند: عربستانی‌ها و وهابیت هر شبهه‌ای مطرح کردند، ما به سایت «مؤسسه ولی عصر» مراجعه کردیم و دیدیم جوابش آنجاست!

ما تقریباً از سال ۱۳۷۰ کارمان شبهات وهابیت است. ما کارهای دیگر را کنار گذاشتیم و عمدتاً به این کار پرداختیم.

اگر دوستان وارد این سایت شوند، به این شبهات و جواب‌های آن دسترسی دارند. ما تلاش کردیم سرچ این سایت هم یک سرچ جامع و پیشرفته باشد. اگر شما در یک شبهه دو یا سه کلمه را تایپ کنید، موضوعی که در این خصوص بحث کردیم را برایتان می‌آورد.

اخیراً ما سامانه پرسش و پاسخ راه انداختیم. بنده در «شبکه سلام» و «شبکه جهانی ولایت» به چهار هزار سؤال پاسخ دادم و مباحث همگی زنده بود. ما این سؤالات را تحت عنوان یک نرم افزار درآوردیم.

اگر شما از یک سؤال دو یا سه کلمه آن را جستجو کنید، حدود ده یا بیست سؤال برای شما ردیف می‌کند و از شما پرسیده می‌شود که کدام یک از این سؤالات مورد نظر شما هست. روی هر سؤالی کلیک کنید، جواب آن سؤال را برایتان می‌آورد.

**پرسش:**

اگر امکان دارد یکی از شبهاتی که مهم‌تر از همه است را مطرح کنید؟

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

به عنوان مثال یکی از شبهاتی که وهابیت در رابطه با حوزه مهدویت مطرح می‌کنند، این است که «قفاری» در کتاب «اصول مذهب الشیعة الإثنی عشریة» می‌نویسد که وقتی حضرت مهدی (ارواحنا فداه) بیاید تمام اهل سنت را می‌کشد.

او می‌نویسد: حضرت مهدی از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر را به قتل می‌رساند و همانند قصابی که گوسفند را سلاخی می‌کند ایشان مردم را سلاخی می‌کنند.

«یذبهم والذی نفسی بیده کما یذبح القصاب شاته»

أصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة - عرض و نقد -، المؤلف: ناصر بن عبد الله بن علی القفاری،

دار النشر: بدون، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲، ص ۸۸۰، باب ب. سیرة القائم المنتظر

ما تکه تکه عبارات او را بررسی می‌کنیم و می‌بینیم کلمه "اهل سنت" اصلاً در آن زمان وجود نداشت. در آن زمان چنین نبود که رسول اکرم بفرمایند حضرت مهدی می‌آید و تمام اهل سنت را می‌کشد.

اهل سنت و شیعه در زمان معاویه از هم جدا شدند. این دروغ شاخ‌دار قفاری است و بدترین دروغ آن است که تاریخ آن را رسوا کند. واژه اهل سنت نه در زمان پیغمبر کرم بود، نه در زمان ابوبکر بود، نه در زمان عمر بود و نه در زمان عثمان بود. معاویه "اهل سنت" را مطرح کرد.

جناب آقای «قفاری»! کدام روایت از پیغمبر اکرم وارد شده است که حضرت مهدی اهل سنت را می‌کشد؟ به ما یک روایت نشان بدهید. این جواب بسیار دندان شکن است. شما ادعا می‌کنید پیغمبر اکرم فرموده است حضرت مهدی اهل سنت را همانند قصاب سلاخی می‌کند، ما می‌پرسیم که یک روایت در این زمینه بیاورید!

جواب دوم این است روایتی که سند آن صحیح نباشد، هیچ ارزشی ندارد. بله ما یک روایتی داریم که در کتاب «کافی» هم هست، آنهم نه درباره اهل سنت بلکه درباره نواصب است. که حضرت اسلام را به نواصب عرضه می‌کند یک دسته اسلام را قبول می‌کنند و یک دسته اسلام را قبول نمی‌کنند، اما تعهد می‌دهند که فتنه به پا نکنند و جزیه بدهند. یک دسته از نواصب هستند که نه حاضرند مسلمان شوند و نه حاضرند دست از فتنه بردارند. حضرت مهدی آن‌ها را قتل عام می‌کند.

این روایت هم سنداً ضعیف است. «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد هشتم صفحه ۸۰ آورده است. «علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» که شرح «کافی» است، در جلد ۲۵ صفحه ۱۸۴ می‌گوید: روایت سنداً ضعیف است.

وقتی که روایت سنداً ضعیف است، روایت ضعیف هیچ اعتباری ندارد. به قدری افرادی بودند که در زمان بنی امیه و بنی عباس از حکومت پول دریافت می‌کردند و روایاتی را از قول امام صادق و امام باقر جعل می‌کردند و در جامعه منتشر می‌کردند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هرکسی روایاتی از ما نقل کرد را به قرآن کریم و روایات متواتر اجداد ما عرضه کنید. اگر مطابق قرآن کریم و سنت مسلم نبود به دیوار بکوبید! این روایت چنین است و شما می‌خواهید در این خصوص چکار کنید!

این یکی از شبهات وهابیت است که امروزه در شبکه‌های ماهواره‌ای همانند «شبکه کلمه» و «شبکه وصال» بسیار روی آن مانور می‌دهند و عبارت «قفاری» را شبانه روز نقل می‌کنند. شاید «شبکه کلمه» بیش از هزار بار تاکنون این عبارت را مطرح کرده باشد.

خدا را به آبروی حضرت زهراى مرضیه سوگند می‌دهیم فرج مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم را نزدیک بگرداند. خدایا به آبروی ولایت علی، خدایا به آبروی حرمت زهرا تو را سوگند می‌دهیم.



حضرت امیرالمؤمنین وقتی حضرت زهرا را مرضیه می‌کردند، در کنار قبر حضرت فاطمه زهرا دو جمله  
جانسوز فرمودند. حضرت فرمودند:

«قُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي»

یا رسول الله! صبر من در مصیبت زهرا تمام شد.

«أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ»

حزن من تا قیامت باقی است.

«وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»

دیگر شبها از غصه خواب به چشم علی نخواهد رفت.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۰، خ

۲۰۲ وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ ع رُوي عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ ع كَالْمُنَاجِي بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ص عِنْدَ

قَبْرِهِ

«ابن عباس» می‌گوید: در جنگ صفین یک شب حنا درست کرده بودم و گفتم: علی جان! موهایتان سفید شده  
است. من حنا درست کردم تا موهایتان را خضاب کنید. جنگ صفین بیست و هشت سال بعد از شهادت  
حضرت فاطمه زهرا اتفاق افتاد.

امیرالمؤمنین فرمودند: ابن عباس! مگر خبر نداری که ما هنوز عزادار فاطمه هستیم. انسان عزادار که مو خضاب  
نمی‌کند. اگر علی هزاران سال هم عمر می‌کردند، این جمله‌اش «أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ» باقی بود.

یکی از چیزهایی که من گاهی اوقات حال پیدا می‌کنم و می‌گویم، این است که می‌گویم: خدایا به «لیل مسهد» و «حزن سرمد» علی و چشم‌های اشکبار آن حضرت در مصیبت حضرت زهرا تو را سوگند می‌دهم فرج مولایمان حضرت ولی عصر را نزدیک بگردان.

خدایا مقدمات ظهورش را فراهم بگردان. خدایا از باقیمانده غیبتش صرفنظر بفرما. خدایا ما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران مخصوصاً عزیزان ما در یمن بگردان. خدایا بر همه بیماران مخصوصاً معلولین ما شفای عاجل کرم فرما.

خدایا به حضرت صدیقه طاهره تو را سوگند می‌دهیم ما را در دنیا و آخرت از محمد و آل محمد جدا مکن. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل نما. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری را موفق و مؤید بدار.

خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا حوائج ما را برآورده کن. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، اوصیاء، شهدا، صدیقین، صالحین، بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته